

در حاشیه پاسخ مقتدرانه ایران و گرفتار شدن متجاوزان صهیون



نگرانت می شیم اگه
ابراز نگرانی نکنی!

میشبه ایچور بره؟ / صفحه ۲

گفت و گوبا
کارشناس ارشد فروش وطن

گیر کن / صفحه ۴

شعور جنگی

کلیک / صفحه ۸

نگرانت می شیم اگه ابراز نگرانی نکنی!



هفته قبل: دبیرکل سازمان ملل: من در مورد تنش نظامی بین ایران و اسرائیل همچنان نگران هستم. (عصر ایران)

هفته بعد: دبیرکل قبلی سازمان ملل گفت: دبیرکل فعلی سازمان ملل بلد نیست چطور ابراز نگرانی کند. باید یک جوری ابراز نگرانی کنی که هرکسی توی اخبار ۲۰:۳۰ ابراز نگرانی تو را دید، باور کند و با خودش بگوید این یارو واقعا از ته دل نگران است.

هفته بعدتر: وزیر خارجه یکی از کشورهایی که خواست نه نام خودش فاش شود نه نام کشورش، گفت: ما این همه پول جمع می کنیم به سازمان ملل متحد کم می کنیم، ولی آخرش هم دبیرکل آن، هر سال کمتر از سال قبل ابراز نگرانی می کند. با همین پول می شد کلی کارخونه ساخت.

هفته بعدترتر: نماینده یکی از کشورها در سازمان ملل گفت: چرا رئیس سازمان ملل متحد فقط ابراز نگرانی می کند؟ چرا به جای ابراز نگرانی خشک و خالی، یک اقدام عملی انجام نمی دهد؟ در همین حین بقیه نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل به خاطر این حرف زشت او لبش را به شدت گاز گرفتند و یکی از آن ها تا دم درب خروجی شماره ۲ سازمان ملل با لنگه کفش دنبالش کرد. در ادامه جلسه نمایندگان کشورها از دبیرکل سازمان ملل خواستند او را عنصر نامطلوب تشخیص دهد و از سازمان ملل بیرون کند.

هفته بعدترترتر: رئیس جمهور کشوری که نماینده آن کشور در سازمان ملل حاشیه ساز شده بود، گفت: «مواضع نماینده کشور ما در سازمان ملل، موضع واقعی و حقیقی کشور ما نیست. او احتمالا قبل از جلسه، کوکائینی، گلی، چیزی مصرف کرده است که این توقعات زیاد و خیلی بیخود را از رئیس سازمان ملل داشته است. به جای او یک نماینده جدید می فرستیم و دست نماینده قبلی را هم یک جایی بند می کنیم. اصلا به نظر ما دبیرکل سازمان ملل که ابراز نگرانی نکند، مثل زنبور بدون ثمری است که عسل تولید نکند، والسلام!»

تست های آموزشی

● اولین اقدام پس از حمله رژیم صهیونیستی چیست؟
الف) استوری کردن جمله ی «اینم کار خودشونه»
ب) گردگیری موشک ها جهت رفتن به مهمانی در حیفا و تلاویو
ج) ابراز نگرانی زیاد
د) ابراز نگرانی خیلی زیاد

● چه تغییری در سیستم آموزشی اسرائیل باید رخ دهد؟
الف) آموزش پاسخ به سوالات نکیر و منکر در شب اول قبر
ب) افزودن واحد «چگونه با طناب پوسیده آمریکا در چاه نرویم؟» به مواد درسی
ج) اجباری شدن اخذ مدرک شنا و چگونگی نجات از ویرانه ها
د) اسرائیل انقدری نمی ماند که به تغییر برسد. بروید سوال بعدی

● فرض کنید یک کاربر اسرائیلی از شما راهنمایی می خواهد که اکنون باید چه کند: به او چه می گوید؟
الف) مایو را از خودش جدا نکند حتی اگر خیس شد
ب) شده جفت کلیه اش را بفروشد و بلیط برگشت به کشورش را تهیه کند
ج) همیشه دوست داشت در آخرین روز زندگی اش چه کاری بکند؟ همان را انجام دهد
د) الان دیگر هیچ غلطی نمی تواند بکند چون آن موقع که باید یک غلطی نمی کرد، یک غلطی کرد

● سوال دیگر همان کاربر: پس از وعده صادق ۳ چه کنم؟
الف) همان کاسه چه کنم. چه کنم را دست بگیر
ب) از همان ترامپ که انبارهای موشکتان را پر کرد بپرسید
ج) بگذار ببین اگر بودی بعد بیا دنبال جواب سوال
د) تو که نمی توانی کاری کنی ولی بقیه می توانند از تو درس عبرت بگیرند

صفحه ۲
۳۱ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۳

کُخ تو کُخ

آسمان تل آویو در پی حملات بی امان پهبادی و موشکی ایران



رفقا بعدی رو بالستیک بزنیم یا هایپر؟ کروزم هستا! هرچی حال می کنین بگین بذارم!
جان ما به دو دقیقه زن کم می خودزنی های گنبد آهنین رو تماشا کنیم یه کم بخندیم بعدا!

اصابت موشک ایرانی به مرکز تحقیقات و آزمایشگاه علمی ارتش اسرائیل؛ وایزمن



دکتر اگه زنده ای نتیجه تحقیقات مرکز رو فوراً گزارش کن

نتیجه تحقیقات پژوهشگران این مرکز به این شرح می رسد: غلط کردیم! یکی به شلوار برای من بیاره!

مخفی شدن نتانیاهو و کابینه در تونل های زیرزمینی



نتانیاهو صحبت می کنه، اون بیرون همه چی مرتبه؟ پیام بیرون؟ بعله چه جورم قربان. مرتبه مرتب! تشریف بیارین
صد بار نگفتم قرص فشار تو کیف نجات باشه؟ ها؟ حالا من وسط این خرابی از کجا قرص پیدا کنم گردن شکسته؟

پاسخ ایران به تجاوز اسرائیل، در خاک تل آویو



سریع یکی تون گزارش کنه دقیق چقدر خسارت خوردیم؟

همه چیز تحت کنترله قربان. دقیق بخوام بگم صاف شدیم. به بچه های گنبد آهنین بگیم موشک هایی که این طرفی میان رو دیگه نزنن!



اعصاب خردی حافظ از ویزویر مگس ها!

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه توست
عرض خود می بری و زحمت ما می داری
تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم
از که می نالی و فریاد چرا می داری

جناب حافظ در اینجا خطاب به ریزنده های دشمن که وارد آسمان شده اند، می گوید شما را خیلی ریز می بینم، بهتر است کاسه کوزه تان را جمع کنید؛ چون این آسمان جولانگاه شما نیست و این قدر توی آسمانی که متعلق به موسی کوتقی ها و گنجشک هاست و از آن بالایش کفتر می آید، مسخره بازی در نیاورید. در مصرع دوم آمده است «عرض خود می بری»، مفسران آن را عرض تلفظ می کنند که در اینجا یعنی آبروی خودت را می بری. ولی چون شعر حافظ برای تمام زمان هاست، غرض هم خوانده می شود؛ یعنی سرزمین هایی که اشغال کردی، همین طوری هم عرضشان زیاد نیست، حالا این قدر شلوغ بازی در بیا که همان غرض کم مناطقی را که اشغال کردی، به خاطر اصابت موشک از بین ببری، ما را هم توی زحمت بیندازی که بسته اینترنت بخیریم و فرت و فرت فیلم های موشک خوردن به عرض و طولت را ببینیم. در بیت بعد گفته می شود تقصیر خودت بود که هر جای شهرک ساختگی ات، موشک خورد، شکل مناطق محروم شد، دیگه این قدر عجز و ناله نکن که حال و حوصله تو نداریم.



؟؟



صفحه ۲
۳۱ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۳



کودها رو نریز تو آب ها!

خارجی نداشته است! البته این شرکت نباید زیاد هم افتخار کند؛ چون قبل از آن میمون، یک میمون دیگر هم توانسته است چیزی را ببیند که وجود خارجی ندارد. او بدون اینکه سلاح هسته ای در کشوری وجود داشته باشد، آن را دیده است و به بهانه همان با ایران وارد جنگ شده است.

بزرگ ترین کشف هفته: ما فهمیدیم که علت این خل و چل بازی های ترامپ و نتانیاهو چیست. آن ها احتمال زیاد ساعت یک شب به بعد می خوابند. چون دانشمندان کشف کردند که خوابیدن بعد از ساعت یک شب، باعث اختلالات روانی زیاد و مشکل ساز می شود.

خنده دارترین نام گذاری هفته:

اسرائیل نام حملات خودش را گذاشته است ملتی چون شیر. علت نام گذاری اش را نمی دانیم، چون ما هر چه تصویر از مردم آنجا دیدیم، مثل موش توی سوراخ پناهگاه قایم شده بودند و حتی توی یکی از تصاویر یک نفرشان بی لباس داشت می رفت پناهگاه. البته در دنیایی که به سوپ می گویند غذا، احتمالاً بشود شغال ها را هم شیر صدا زد.



میمون ترین موجود هفته: شرکت نورالینک، متعلق به ایلان ماسک، اعلام کرد موفق شده با استفاده از ایمپلنت مغزی به یک میمون کمک کند چیزی را ببیند که واقعاً وجود



شدی اسباب شخر و خنده، صهیون
شدی با موشک ما رنده، صهیون
می افته دم به دم پیه پادت اینجا
تو پیه پادت به بادی بنده صهیون

دلیر پارس از گرگان نترسد
مسلمان زاده از شیطان نترسد
منم عاشق به ایران و به دینم
«هر آن کس عاشق است از جان نترسد»

اگر موشی! اگر سوسکی! اگر مور
تو پایت هست الان بر لب گور
نداری از خودت هیچ اختیاری
تو مأموری و هستی پست و مزدور

در اوج نه، در حضيض می بینمتان
در وحشت و در گریز می بینمتان
ای ریز پرنده های مودی و کثیف
چون پشه همیشه ریز می بینمتان

«اگر دستم رسد بر چرخ گردون»
تو را اندازم از آنجا به ایوون
تو هستی حیف رگبار پدافند
تو را باید زخم من با پلخمون!

مخبرانشعرا

باید بهانه نگیری ناتان یاهو
در دست شیر اسیری ناتان یاهو
بی فایده است فکر فرارت به هر طرف
و قتش رسیده بمیری ناتان یاهو

طیبه ثابت

در حاشیه حمایت بعضی کارشناسانهای خارج نشین از تجاوز به خاک ایران

گفت و گو با کارشناسان، شرفروش و وطن



پرداخت آنلاین توپیچیم ازم حمایت کنن. همچنین مسئولان کشورهای دیگه هم در صورت تمایل برای داشتن نظرات کارشناسانه بنده در هر زمینه‌ای، به‌ویژه ماست مالی جنایت‌هاشون، می‌تونن از طریق اون لینک‌ها از خجالت‌م در بیان. شب و روزگار بر شما خوش.

● الان شما خودت رو طرف دار مردم می‌دونی ولی بهشون می‌گی نفهم و باهاشون می‌جنگی؟
● بله!
● جالبه، خب حرف پایانی تون؟
● بینندگان عزیز می‌تونن از طریق لینک

● چه جالب! تا حالا به عقل جن هم نرسیده بود که بمباران شهر باعث سرسبزی بشه! درباره این خونی که بعضی‌های گن روی زمین می‌ریزه چی؟
● آهان، به نکته خوبی اشاره کردین. اتفاقاً من دیروز با شبکه‌های پی‌پی‌سی و اینترنشنال هم در همین زمینه صحبت کردم. اونجا هم گفتم در هر عمل جراحی خون ریزی هم هست، نمی‌شه که بدون ریختن خون، بیمار رو درمان کرد. باید این خون‌ها ریخته بشه.
● عه این جوریه؟! به عده می‌گن اینا خون هم وطنان خودته، به همین راحتی می‌گی باید ریخته بشه؟
● اولاً که لطفاً درست صحبت کنین، من کم‌الکی نیستم که از وقت باارزشم زدم و اوادم با شما صحبت می‌کنم. تو همین وقت می‌تونستم چندتا مقاله بین‌المللی بنویسم. بعدش، من در چند جبهه که نمی‌تونم بچنگم.
● جبهه جنگ؟! یعنی چی؟
● از یک طرف باید با امثال شما کل کنیم. از یک طرف باید جواب کامنت‌های بدخواهان رو بدم و برم برای کارشناس‌های بی‌شعور دیگه با اکانت فیک نظرات دندان شکن بذارم، از اون طرف با خود دولت باید مبارزه کنم، از این طرف هم باید با مردمی که چیزی حالی شون نمی‌شه و دری‌وری می‌گن

● مجری: در این قسمت از برنامه گفت‌وگویی داریم با دکتر منگول‌آبادی، کارشناس ارشد مسائل، پژوهشگر امور و متخصص در زمینه آقای دکتر به برنامه ما خوش اومدین. در ابتدا می‌خوام ازتون بپرسم نظرتون درباره اتفاقات اخیر و حمله اسرائیل به ایران چیه؟
● کارشناس: سؤال بسیار خوبی پرسیدین. اتفاقات اخیر رو از دو منظر می‌شه بررسی کرد، منظر اول و منظر دوم.
● (بعد از چند ثانیه): خب بفرمایید دیگه، چرا ساکت شدین؟
● آهان، فکر کردم همین بس بود براتون! بله داشتم می‌گفتم. منظر اول از این زاویه است که آیا این اتفاق‌ها به نفع کشور منه؟ منظر دوم هم به این مسئله می‌پردازه که آیا این اتفاقات به نفع مردمه؟
● توضیح بدین چطور ممکنه این اتفاق‌ها به نفع ما و کشور باشه؟
● شما دارین مورد شک نکنین که همه این چیزها به نفع ماست. ببینید الان این انفجارهایی که در سطح کشور رخ داده، همه باعث ایجاد سوراخ شده‌ان. سوراخ هم باعث می‌شه که زمین نفس یکشه و دمی تازه‌کنه. از اون طرف می‌شه بعداً تو این سوراخ‌ها درخت و گل و سبزه بکاریم که باعث سرسبزی شهر و میهنمون می‌شه.

صفحه ۴
۳۱ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۳

فرهنگ شهروندی راهکارهای حفظ آرامش فرزندان

فرزانه زینلی



بازی کنید!

مثلاً وقتی صدای انفجار می‌آید، کودکان را دعوت کنید به «بازی تشخیص صدای عجیب»:
- صدای رعد و برق بود یا لاستیک ماشین؟
- نورافشانی عیده یا تولد بازی؟
این بازی علاوه بر سرگرمی، تمرینی ست برای تبدیل ترس به شوخی بی‌ضرر.



اخبار را فیلتر کنید

اطلاع‌رسانی خانوادگی باید با فیلتر روانی همراه باشد. مثلاً پدر خانواده نباید بگوید «یا خدا فلان جا رو زدن...»، بلکه باید جملاتی چون «امروز هم مثل دیروز، فقط کمی پرسروصداتر، زندگی می‌کنیم» بگوید. شوک کمتر، امید بیشتر.



حفظ ظاهر کنید

مطالعات نشان داده‌اند مغز انسان از تظاهر به آرامش فریب می‌خورد. بنابراین سرفه‌شام (هرچند با پس‌زمینه صدای پدافند‌های زحمتکش) اعضای خانواده باید طوری رفتار کنند که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده؛ مثلاً بپرسند: «چرا برنج نمی‌کشی؟ بخور بابا جان.» در حالی که اصلاً برنجی در کار نیست.



جلسه بگذارید

به جای تحلیل موشک‌ها، درباره آینده‌ای نزدیک سخن بگویید: تابستان که اوضاع بهتر شد، سفر کجا برویم؟ برای شام نان بربری بگیریم یا تافتون؟ این گفت‌وگوهای امیدبخش، تمرینی ست برای حفظ معنا در دل بی‌معنایی.



بنویسید

هر عضو خانواده دفتری داشته باشد برای نوشتن افکار روزانه. مثلاً کودک هفت‌ساله می‌تواند بنویسد: «امروز فقط یک بار ترسیدم. صدای بمب خیلی کمتر از دعوای دیروز مامان بابا بود.»

در حاشیه حمایت رضا پهلوی از تجاوز به خاک ایران

روز نوشت های یک شاهزاده فلک زده



دارم بزرگ می شم

مامانی امروز صدام زد و یک یادگاری بارزش از بابا بزرگ و بابا بهم داد. یک دفتر خاطرات که اوایلش بابا بزرگ خاطرات خودش رو نوشته و بعدش هم باباجونم. برم بخونم ببینم چیا توشه. مامان گفت که خودم هم تو صفحه های آخرش باید خاطراتم رو بنویسم. آخ جون دارم بزرگ می شم.

بابا بزرگ بی سواد

امروز از صبح سرم گرم دفتر خاطرات خانوادگی بود. بابا بزرگ چقدر زحمت کشیده برای این مملکت و الان کسی قدرش رو نمی دونه. طفلی با اون بی سوادیش چقدر خدمات به این مردم بی چشم و رو کرد. انگار نه انگار این همه مردم و نخبگان رو سرکوب کرد. امتیازات داد به خارجی ها. کشور رو قهرمانانه تسلیم متفقین کرد. حقش نبود آخرش اون جوری ولش کردن.

کمتر از چقدر

دیشب همه ش خواب می دیدم که مثل بابا بزرگ شده ام، قوی و با ابهت. همه از من سگ می ترسیدن. منم مثل پادشاه های واقعی تاج رو سرم گذاشتم و به همه دستور می دم. آرزو به دلم مونده که به یک نفر دستور بدم و گوش بده. الان که حتی زخم هم به

حرف هام گوش نمیده. زخم هیچی، این توله ها، بچه هام هم به اندازه یک چغندر بهم اهمیت نمی دن. پوووف...

آقا مون جنتلمنه

رسیدم به قسمت خاطرات باباجونم. قربونش برم چقدر جنتلمن بوده. با سواد و همه چیزدان. حالا درسته اندازه برگ شلغم مملکت داری سرش نمی شد و بدون اجازه سفارت های خارجی آب نمی خورد. ولی هرکی نگاهش می کرد کیف می کرد. لعنتی همین تیپ و قیافه اش باعث می شد که همه دخترها عاشقش بشن و جلوش دست و پا بشون شل بشه. این وسط مامانی شانس آورد که تونست مخ بابایی رو بزنه. کاش منم مثل بابایی بشم. به هر دختری نگاه کنم، یک دل نه صد دل عاشقم بشه.

قربون عمه ها سرم

چه جالب، نمی دونستم عمه هام این قدر ناغلا بوده ان. می دیدم مامانی هی پشت سرشون حرف می زنه و می گه بلاها حسابی سروکوششون می جنبیده، نگو دل زیبا پسندی داشتن قربونشون برم. جالبه می شنیدم که می گن بابا یه مقداری مملکت به هیچ جاش نبوده و فقط به فکر خودش و خانواده اش بوده. البته که اینا شایعه است. بابا خیلی هم کشورش رو دوست داشته، اون قدر که همه ش می خواسته کله ش رو بخوره. در کنارش ما رو هم خیلی دوست داشت و هرچی به دستش می رسید برای ما

توبغل خارجی

امروز تو اون دفتر خاطرات خوندم که کشورهای خارجی خیلی بابایی رو دوست داشتن. بابا هم خیلی خارجی رو دوست داشته، حتی بیشتر از کشورش. فهمیدم منم به بابام رفتم، خیلی خارجی رو بیشتر از داخلیا دوست دارم. برای همین می خوام وقتی بزرگ شدم و به جایی رسیدم و کسی آدم حسابم کرد، برم تو بغل خارجی. از این مردم چیزی به ما نمی ماسه. اصلا حقشونه هر خر و سگی بیاد به کشورشون حمله کنه، مخصوصا این اسرئیل فسقلی و هار. بزنه لت و پارشون کنه.

همه چی رو سرم بره

امروز اولین برگ خاطراتم رو نوشتم. خیلی حس خوبی بود. احساس آدم بودن بهم دست داد. حالا فهمیدم که من چقدر برای این مردم زیادم. اینا اصلا لیاقت منو ندارن. وقتی برگشتم کشورم باید همه شونو بریزم تودریا. نه حالا این قدر خشن، ولی دیگه یه فصل فحش باید بدم بهشون. عوضش باید هوای خارجی رو داشته باشم. برای اینکه اونا هم هوای منو داشته باشن. باید همون دریا و کوه و جنگل و نفت و معدن و هرچی هست رو بدم بهشون. آخ جون، قراره پادشاه بشم. دیگه دستم میره تو جیب خودم و لازم نیست از مامانی پول توجیبی بگیرم.

ادعای ترامپ:

باموشک هایسان

ایرانی ها پیشنهاد دادند که به کاخ سفید بیایند

گفتم من الان بیرونم، تو طاف نیستی

وزیر حمل و نقل رژیم صهیونیستی:

شخص جانی که همیشه توی بناها جاها جایست تند بود

بابیت مهاجرت دسته جمعی

اسرائیلی ها از اسرائیل ممنوع شد

گنبد آهنین:

چرا طرح ترافیک موش ها
افعال اجرا نمی شود
و ایران هم روزهای زوج
حمله می کند، هم روزهای فرد؟

رویتیز:

استرس

زاین برای تخلیه شهروندان ژاپنی

هوای ما به جیب دوتی می فرستد

تل اوپر

مالک گفت: پیام رسان ما شمار اندارد
ایلان ماسک: واتساپ قابل اعتماد نیست
گفتم فورم ایلس دارم بذار جلوانند دواتشه ایس

کارشناس ترکیه:

به نعلی گفتم این چیز سوراف بزرگ چه تو سایدت؟ گفت:
ایران گنبد آهنین را تبدیل به آبکش کرده است

همسر رئیس جمهور

وزیر امور خارجه فرانسه:

مشکلات من و ملرون
خاور میانه

راه حل نهایی ندارد

جز سیلی زدن من
به صورتش

رسانه آمریکایی:

فیرمان فلری لریم
توان دفاع موشکی

اسرائیل قتل

ده دوازده روز دوام
خواهد آورد

پیکه

آرش آریایی

تفاوت مردم ایران و اشغالگران صهیونیست در هنگام حمله نظامی

هنگام پاسخ ایران به متجاوزان

هنگام حمله متجاوزان به ایران



صفحه ۶

۳۱ خرداد ۱۴۰۴

شماره ۱۴۳

ناسوس

فرشته شایان

بنده بارها عرض کردم هرچه
ضربه می خوریم از همان
میکروچیپ های واکسن کروناست
که داخل مان فرو کردند. پیچ و
واتساپ همه آدرس غلط است؛
حتی همین ویروس اسهالی که
می گیرید هم از واکسن کروناست.
بنده اطلاعات موثق دارم اصلا
همین گنبد آهنین هم که زارت و
زارت به خود زنی افتاده حتی، یک
ربطی به واکسن کرونا دارد.



دکتر علفیان

جسارتا ریا نباشه اون استیکر
«گل و قلب تقدیم به شما
خوبان» گروه های خانوادگی
هم خیلی وقته رو دوش
بنده ست. بعید می دونم از
شش هفت ماه پیش که گفتن
فیلترش رو برداشتن و همه یه
دور روش زدن ببینن واقعیه یا
نه، تا امروز کس دیگه ای اصلا
روی اون حیوونکی زبون بسته
کلیک کرده باشه.



اینا

صداوسیما از مردم خواست برای حفظ
امنیت، واتساپ را از روی گوشی پاک کنند.



این واتساپ دهن لقی به پیام از توش پاک
می کنی، تا رسوای دو عالم نکند، ول کن
نیست، بعد شما انتظار دارین لوکیشن و
اطلاعات شخصی رو این ور اون ور گزارش
نده؟ بعدم اون تو مگه جز استیکر گل و «صبح
زیبایان شاد، حال دلتان خوب» شوهر خاله ها
و زن عموها پیام دیگه ای هم مبادله می شه؟



تلگرام



ستون مخفی



برای من که سال هاست پشت دیوار فال گوش ایستاده ام تا ببینم حرف حساب بقیه چیست، سخت است که ببینم دیگر صدایی نمی آید. شب های متمادی است که بساط تخمه و پفک را می چینم جلوی دیوار ولی صدایی نمی شنوم. پس تصمیم گرفتم بیایم بیرون و ببینم چه خبر شده است. در را که باز کردم، صدای جیغ و کف و هورا به هوا رفت و پر از شرشره و برف شادی شدم! تا چشمانم را باز کردم، املاکی محله را دیدم که خانه را از او خریده بودم. گفت: «به شما تبریک می گم! شما در مقابل ستون مخفی پلخمون قرار گرفتین! با چند تیم فیلم برداری اطراف خونه شما داشتیم صداسازی می کردیم و به شما خوراک تولید ستون گوش میرزا رو می دادیم که گفتن با این ماجراهای اخیر بهتره جمع کنید برید! ولی ما جمع که نکردیم هیچ دلمون نیومد شمارو تنها بذاریم و گفتیم بیایم توی خونه و حقیقتش رو بگیم.»

من که شوکه شده بودم، گفتم: «چه جوری دلتون اومد؟ من با شماها گریه کردم، با شماها اشک ریختم!» گفت: «البته فحشم زیاد دادین به ما!» گفتم: «فحش؟! حتما همسایه بغلی بوده!» گفت: «اینجا غیر از شما، کسی زندگی نمی کنه! موقع فروش ملک به شما، فقط دکور زده بودیم!» گفتم: «فکر همه چی رو کرده بودم، جز این رو. گفتم شاید خواب باشه، شاید غذای سنگین خوردم، چرت و پرت می شنوم، ولی این که شما ستون مخفی زده باشین، نه... ضمنا غیر از کلماتی که می گفتم و می نوشتم، چیزی

که ندیدین از توی خونه؟! گفت: «نه.» گفتم: «خب خیالم راحت شد. بیاین داخل، به چایی بخورین، خستگی تون در بره.» آمدند داخل و از چیزی که دیدند، شگفت زده شدند. بچه های شبکه خبر نشسته بودند و داشتند کار می کردند! گفت: «مگه شبکه خبر رو زدن؟! اینجا پناهشون دادین؟!» گفتم: «نه بابا، اصلا از اول اینجا بودن! اون جایی که زدن، دکور بود! من خودم خبرنگارم، داشتم از پشت دیوار بررسی می کردم مردم چی می کنن که توی خبرها به همونا بپردازیم!» املاکی گفت: «که این طور!» و یک دفعه گریه روی صورتش را برداشت و قیافه اش عوض شد! گفت: «من خودم مدیرکل خبرهام، می خواستم ببینم شما چقدر به حرف مردم گوش می کنین.» من هم مجبور شدم واقعیت را بگویم. لباس کارم را پوشیدم و گفتم: «من اصلا توی کار خبر نیستم! این دریچه کف خونه رو نگاه کن. من تأسیسات زیرزمینی شهری رو درست می کردم، اومدم بالا به چایی بخورم، منو بادبیر خبر اشتباه گرفتن!» و...

داشتیم با خودمان در ستون مخفی می جنگیدیم که سردبیر پلخمون به همکارانش گفت: «اصلا ستون مخفی خبری نمی خواد داشته باشیم، همین خانم امامی شبکه خبر خودش همه کارها رو انجام می ده!» و ستون را به نسیم سپرد!

(پایان)



مردم ایران ما با شما جنگی نداریم. صرفا اهداف نظامی رژیم از جمله ساختمان های مسکونی، صداوسیما و بیمارستان و اصطبل هارو می زنیم.



مکرون: خداوکیلی دمت گرم صداسیماشون روزی. اینا هی می گفتن دوربین

ما اسلحه ماست. نگو دوربین هاشون جنگی بوده

چنگیز مغول: داداشی گل خودمی نتانیا هو، می دونم مثل خودم خوش قلبی

گروسی: من دیدم وقتی موشک نزدیک نظامی های آمریکایی خوره چه جوری فرار می کنن. اگر خبرنگار ایرانی، نظامی زیده نبود موقع حمله به صداوسیما فرار می کرد نه اینکه بشینه رجز بخونه. اونا قطعاً نظامی بودن شک نکن.

سازمان ملل: من سریع اینجا هم یک ابراز نگرانی بکنم و برم.

رضا پهلوی: ولی انصافا اون بیمارستان کودکان رو خوب زدی. من اطلاعات موثق دارم چندتا از بچه هایی که اونجا بودن توانشای مدرسه، شغل آینده نوشته بودن می خوان پلیس بشن که نظامی محسوب می شه دیگه به هر حال

بایدن: اینا فوتبالشون هم نظامیه یک باشگاه خطرناک هم دارن که بهش می کن ارتش سرخ آسیا. به نظرم برنامه بذار اونم بزنی ها.

ایلان ماسک: ایرانی ها کلا نظامی اند. من خودم دیدم حتی یه شاعر داشتن به نام نظامی گنجوی.

جولانی: من القاعده بودم انقدر وحشی بازی در نمی آوردم داداشیای تمدن غربی به کم آروم تر!

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

کارشناس ترکیب های:

موشک های ایران، گنبد آهنین را تبدیل به آبکش کرده است.

روزنامه ها آرتص:

موشک های ایران، تیترهای جدی ما را شبیه تیترهای «ورچپه» «پلخمون» کرده است.

فرهنگستان زبان و ادب عبری:

موشک های ایران اصطلاح «دقایقی در پناهگاه بمانید» را تبدیل به «حالا یک روز دیگر هم همین جا بمانید طوری نمی شود» کرده است.

یک تحلیلگر صهیونیست:

موشک های ایران، قیافه نتانیا هو را تبدیل به یابو کرده است.

وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی:

موشک های ایران اسم عملیات ما را از «مردم چون شیر» به «مردم از زندگی سپیر» تبدیل کرده است.

یک نفر از پناهگاه صهیونیست ها:

موشک های ایران حضور موقت ما در پناهگاه را تبدیل به اقامت دائم کرده است.



ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
 صاحب امتیاز: شهرزادی مشهد
 مدیرمسئول: سیدمیرثم موسوی مهر
 سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
 دبیر: ضمائم؛ ارزنگ حاتمی
 دبیر پلخمون: مجتبی نغمی راد
 صفحه آرایی: ساعد عاشوری

شعور جنگی

این روزها بعضیا کلا توی باغ نیستن. کارهاشون به طوریه که خود شونم شاید ندونن اون طوری که پیش برن، به طور دیگه می شه! رعایت کنین دیگه!

کارشناس نظامی نشویم

باید نیروهای چتر باز ویژه رو با پوشش
 موشک های هایپرسونیک
 توی این منطقه فرود بیارن.

حالا آغوره نگیر! بابات کارشناسیش تموم
 بشه اسباب بازی هاتو پس می ده!



یک کلاغ چهل کلاغ نکنیم

خودم هواپیماهاشون رو دیدم. الانم هستن. زیادم هستن.
 عه! داره میاد سمت پنجره ما... نه بابا من و ترس؟!؟

شما حالت خوبه؟



به سمت خریدهای هیجانی نرویم

خانم من فروشگاه سرکوه رو خالی کردم! شما
 هم اون فروشگاه دیگه رو بگرد. هرچی دیدی بخر!
 بالاخره شاید لازم بشه



موارد مشکوک را گزارش دهیم

بله! خیلی مشکوک! این همسایه ما هم
 دیابت داره هم کبد چرب. ولی نوشابه
 معمولی و سس مایونز سفارش داده!



با پرهیز از احتکار و افزایش قیمت. مسئولانه رفتار کنیم

فقط پرسیدم چرا گرون کردی.
 این حرکتت واسه چی بود؟

خواستم ببینی چه کار سختی داریم توی این
 شرایط! تمرکز اضافی می خواد و گرون ترمی شه.
 نمی خوای؟ بدون تمرکز واسه زد!



شایعات مسخره و اخبار فیک نیوزها را باور نکنیم

کانال خبرهای داغ و موثق نوشته
 آمریکایی هادرن میان

خودم شنیدم که ناوهای آمریکایی از
 همدان رد شدن دارن به تهران می رسن

